

معنی کلمات درس ۱۶ پرندۀ آزادی فارسی هشتم

بیمناک : ترسناک

آشیان : خانه

دوزخ : جهنم ، آتش

توفان : جنگ و گلوله باران

تیرگی : ظلم و ستم

صیاد : شکارچی

سنگدل : بی رحم ، ظالم

سرکشی : نافرمانی ، طغیان

صعود : بالا روی ، اوج گیری

سدره المنتهی : درختی در آسمان هفتم

پرندۀ آزادی

۱۶
 درس شانزدهم

محمد در آغوش پدرش
چونان پرندۀ ای بیمناک
آشیان دارد،
از بیم دوزخ آسمان.
_ آه ای پدر، پنهانم کن، پنهان
بال های من در برابر این توفان
ناتوان است، ناتوان
در برابر این تیرگی
و آنها که در بالا در پروازند.

محمد، فرشته بی پناهی است،
نزدیک به تفنگ صیادی سگدل،
او در سایه خود تنهاست
چهره اش روشن است، چونان خورشید

مهم ترین کار یک خواننده، به هنگام خواندن شعر، ترکیب لحن ها با یکدیگر است؛ به گونه ای که آهنگ کلی شعر از آغاز تا پایان حفظ شود. در سروده زیر، لحن های حماسی، عاطفی و توصیفی درهم آمیخته شده اند.

شعری برای «محمد النوره»، نوجوان فلسطینی که در سال ۱۳۷۸ هـ.ش (۲۰۰۰ میلادی) بر اثر هجوم بی رحمانه نیروهای اشغالگر اسرائیل در آغوش پدرش به شهادت رسید.

ج. محمد در بغل پدرش مثل پرندۀ ای ترسناک لانه دارد

_ آه ای پدر ، مرا بپوشان بپوشان بال های من در برابر این طوفان بسیار علیل است ، علیل در مقابل این تاریکی و آنهایی که پرواز می کنند آن بالا.

محمد سفیر ی است که دوستی ندارد نزدیک به اسلحه ی شکارچی است که رحم نمی کند او در سایه ی خود تنهاست . صورتش روشن است ، مثل روشنی خورشید

قلبش سرخ و روشن است، چنان سب
صیادش می تواند به شکارش دیگرگونه بیندیشد؛
با خود بگوید:

«الکون او را رها می کنم،
تا آنگاه که بتواند فلسطینش را
بی غلط تلفظ کند ...
و فردا چون سرکشی کند،
شکارش می کنم...»

«محمد الذوره»

خونی است که از بعثت پیامبران
جوشیده است

پس ای محمد، صعود کن!
صعود کن تا سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى!

محمود درویش (شاعر فلسطینی)



ج. قلبش هم قرمز و روشن است ، مثل سبب شکارچی می تواند صید کردن نوع دیگری بنگرد.

با خودش می گوید:

((حال او را ول کنم ، تا وقتی که توانایی تلفظ فلسطین را بدون غلط تلفظ کند و فردا نا فرمانی کند ، صیدش می کنم))

خونی است که از رسالت فرستاده ی خدا جوشیده است پس ای محمد بالا بیا تا بالا بیایی به آخرین درجه

سوال « تا آنگاه که بتواند فلسطینش را بی غلط تلفظ کند کنایه از چیست؟

کنایه از بزرگ و قدرتمند بودن فلسطین.

معنی درس ۱۶ فارسی هشتم کودکان سنگ

معنی کلمات کودکان سنگ فارسی هشتم

خیره :سرکش و گستاخ

مشعل :چراغ

بشارت :خبر خوش و مزده

مزدور :نوکر ، خود فروخته و جیره خوار

درنگ :توقف

ویران :خراب

غزه :نام شهری در فلسطین

حماسه :شجاعت و دلاوری

خیره :متعجب

بتازید :حمله کنید

استوار :محکم

نبرد :جنگ

مهیا :آماده و فراهم

بارور شدن :میوه دادن

نمایان :آشکار

قدس :نام مسجدی در بیت المقدس

رخساره :چهره

پرفروغ : پرنور و تابناک

تابان : درخشان

معنی کودکان سنگ فارسی هشتم

معنی کودکان سنگ



کودکان سنگ

دنیا را خیره کردند
با آنکه در دستانشان جز سنگ نبود
چونان مشعل‌ها درخشیدند

و چونان بشارت از راه رسیدند
ایستادگی کردند، خروشیدند و شهید شدند.
آه، ای لشکریان خیانت‌ها و مزدوری‌ها!
هر قدر هم که تاریخ درنگ کند
به زودی، کودکان سنگ، ویران‌تان خواهند کرد!
ای دانش‌آموزان عزه!

به ما بیاموزید

که چگونه سنگ در دستان کودکان،

حماسه می‌آفریند؟

ای فرزندان عزه!

با تمام توان‌تان بتازید و



جهان را خوب بنگر با اینکه در دست هایش به غیر از سنگ هیچ چیز دیگری نبود مثل آتش ها درخشید و مثل
مژدگانی از راه

رسید و استقامت کردند و فریاد زدند و شهید شدند.

آه ای اصحاب مکر و پاک کننده گان هر قدم که زمان بایستد به زودی بچه های سنگ بایر تان می کنند ای
دانش آموزان آواز و صدا و ندا به ما یاد بدهید که چگونه سنگ در دست های کودکان را شجاعت می کنید؟

ای فرزندان آواز و صدا و ندا با تمام قدرتتان محبوب شوید و در راه تان محکم بمانید و در بیشتر نبرد ها جلو
بروید ای دوست های کوچک ما برای جدا کردن زیتون ها آماده باشید وقتی که درختان زیتون بار ده می شوند
ملتی به دنیا می آید و کره ای دیگر آشکار می شود.





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد